



The Effectiveness of Family-Centered Problem-Solving Training on Marital Satisfaction among Couples

Mohammad Hadi Zeinolabedini¹, Keivan Kakabaraee²

1. M.A of Clinical Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

2. (Corresponding author)* Associate Professor, Department of Psychology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

Abstract

Aim and Background: Improving the level of marital satisfaction can strengthen family ties and promote a long-lasting marriage. Cognitive-behavioral techniques, such as problem-solving, have proven to be efficacious in mitigating conflicts and augmenting marital satisfaction. Therefore, the current study was undertaken to scrutinize the effectiveness of family-oriented problem-solving training in couples' marital satisfaction.

Methods and Materials: This is a quasi-experimental applied study with a pretest and posttest design and a control group. The statistical population included married individuals who referred to the Psychological Counseling Center at Islamic Azad University of Kermanshah Branch, Iran, in 2019. Initially, 30 couples were selected by purposeful sampling, who were then randomly assigned to the experimental (n=15) and control (n=15) groups. The experimental group then received ten 90-minute sessions of family-centered problem-solving training, while the control group did not receive any intervention. The Afroz Marital Satisfaction Scale (2010) was used for data collection. After the posttest stage, the collected data were analyzed in SPSS version 22 using descriptive statistics and covariance analysis.

Findings: Covariance analysis revealed that the utilization of family-oriented problem-solving training had a significant influence on boosting couples' marital satisfaction ($p < 0.05$).

Conclusions: The current study's findings suggest that the family-oriented problem-solving training program is a valuable and successful intervention for enhancing couples' marital satisfaction.

Keywords: family-centered problem-solving, marital satisfaction, couples.

Citation: Zeinolabedini MH, Kakabaraee K. **The Effectiveness of Family-Centered Problem-Solving Training on Marital Satisfaction among Couples.** Res Behav Sci 2023; 20(4):775-785.

* Keivan Kakabaraee,
Email: kakabaraee@gmail.com

اثربخشی آموزش حل مسئله خانواده محور بر رضایت زناشویی زوجین

محمدهادی زین العابدینی^۱، کیوان کاکابرای^۲

۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲- (نویسنده مسئول)* دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: ارتقای سطح رضایت زناشویی موجب استحکام خانواده و دوام زندگی مشترک می‌شود. راهبردهای شناختی-رفتاری همچون حل مسئله از کارآمدی مناسبی برای کاهش تعارضات و بهبود رضایت زناشویی برخوردارند؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش حل مسئله خانواده محور بر رضایت زناشویی زوجین انجام شد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر با توجه به هدف، کاربردی و شیوه اجرا شبه آزمایشی از نوع طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل متاهلین مراجعه‌کننده به مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه در سال ۱۳۹۸ بود. ابتدا بر اساس معیارهای ورود و خروج تعداد ۳۰ زوج به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و سپس به‌صورت انتساب تصادفی به دو گروه آزمایش (۱۵ زوج) و کنترل (۱۵ زوج) تقسیم شدند. پس‌ازآن گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای، آموزش حل مسئله خانواده محور را دریافت نمودند. گروه کنترل در این مدت هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه رضامندی زوجیت افروز (۱۳۸۹) استفاده شد. بعد از پس‌آزمون داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و روش تحلیل کوواریانس و نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج با استفاده از تحلیل کوواریانس نشان داد، به کارگیری آموزش حل مسئله خانواده محور تأثیر معناداری بر افزایش رضایت زناشویی زوجین دارد ($p < 0.05$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت برنامه آموزش حل مسئله خانواده محور به‌عنوان یک برنامه مداخله‌ای اثربخش و با اهمیت می‌تواند در راستای افزایش رضایت زناشویی زوجین مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: حل مسئله خانواده محور، رضایت زناشویی، زوجین.

ارجاع: زین العابدینی محمدهادی، کاکابرای کیوان. اثربخشی آموزش حل مسئله خانواده محور بر رضایت زناشویی زوجین. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۴۰۱؛ ۲۰(۴): ۷۷۵-۷۸۵.

*- کیوان کاکابرای،

رایانامه: kakabraee@gmail.com

مقدمه

نهاد خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که با ازدواج بین زن و مرد شکل می‌گیرد و بر اساس نیاز بشر به برقراری و حفظ پیوند و روابط نزدیک با یکدیگر به‌عنوان یک انگیزه اساسی حائز اهمیت است (۱). ازدواج موجب احساس آرامش و رضایت‌مندی زوجین می‌شود (۲). به‌عبارت‌دیگر ازدواج مهم‌ترین و مقدس‌ترین پیوند میان زن و مرد است، به‌طوری‌که آن را اساس تشکیل یک کانون عاطفی و حمایتی می‌دانند که سلامت جسمی و روانی اعضا و کارکردهای خانواده را بر عهده دارد (۳). اگر بر این حقیقت باور داشته باشیم که غایت ازدواج دستیابی به آرامش و تجربه خوشبختی حقیقی است، پس همانا رسالت اصلی زن و شوهر در هر شرایطی، مراقبت از موهبت آرامش و مهارت آرامش‌آفرینی در کانون پر قداست خانواده است (۴). یکی از مؤلفه‌های مهم موردتوجه پژوهشگران قلمرو وسیع روان‌شناسی خانواده، رضایت زناشویی است، به دلیل آنکه میزان بالاتر رضایت زناشویی باعث استحکام نهاد خانواده می‌شود و دوام زندگی مشترک را افزایش می‌دهد (۵). یکی از ابعاد مهم یک زندگی زناشویی، رضایتی است که هر یک از زوجین در ازدواج تجربه می‌کنند و به معنای برخورداری احساس مطلوب از ازدواج است. رضایت زناشویی یک تجربه شخصی در ازدواج است که توسط خود فرد قابل ارزیابی است (۶، ۷). می‌توان اظهار داشت رضایت زناشویی همخوانی بین وضعیتی که در حال حاضر وجود دارد و وضعیت مورد انتظار است و این مقوله مهم زمانی به دست می‌آید که وضعیت کنونی فرد در روابط زناشویی با آنچه وی توقع دارد، مطابقت داشته باشد (۸، ۹). به‌بیان‌دیگر رضایت‌مندی زن و شوهر زمانی به وقوع می‌پیوندد که به میزان کافی در ارتباط با یکدیگر صمیمی باشند و در حل مشکلاتی که در زندگی آن‌ها به وجود می‌آید، با یکدیگر همکاری کنند (۱۰). رضایت زناشویی نقش مؤثری در عملکرد شغلی و ارتباطات اجتماعی افراد در سطح جامعه دارد (۱۱). در همین راستا می‌توان گفت با ارتقای سطح رضامندی زناشویی و رضایت از زندگی، افراد جامعه با آرامش خاطر بیشتر به رشد و تعالی و خدمات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خواهند پرداخت و خانواده‌ها نیز از این پیشرفت منفعت خواهند داشت (۱۲). از سوی دیگر نارضایتی زناشویی می‌تواند منجر به بروز برخی آسیب‌های روان‌شناختی مزمن همچون افسردگی شود (۱۳).

امروزه می‌توان اذعان داشت اکثر راهبردهای مداخله‌ای خانواده محور با هدف بهبود و ارتقای مهارت‌های تعاملی کلیه اعضای خانواده شکل گرفته‌اند (۱۴). در همین راستا کاربرد آموزش حل مسئله در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی به‌عنوان بخشی از جنبش شناختی-رفتاری برای اصلاح رفتار آغاز گشت. دزوریلا و گلفرید (۱۵)، پایه‌گذاران این شیوه طی پژوهشی بر لزوم قرار گرفتن آموزش مهارت حل مسئله در برنامه آموزش مهارت‌های فردی تأکید نمودند (۱۶). حل مسئله به‌عنوان یک فرآیند شناختی-رفتاری خود راهبر توصیف می‌شود که برای تعیین و کشف راه‌حل‌های انطباقی و مؤثر برای مشکلاتی که افراد در زندگی روزمره با آن‌ها مواجه می‌شوند مورد استفاده قرار می‌گیرد (۱۷). برنامه آموزش حل مسئله به‌عنوان یک راهبرد خانواده محور شامل مجموعه پیچیده‌ای از مؤلفه‌های شناختی، رفتاری و نگرشی می‌باشد که اکتساب آن معمولاً نیازمند آموزش است (۱۸، ۱۹). برنامه آموزش حل مسئله خانواده محور اهدافی را دنبال می‌کند که در ادامه به آن اشاره می‌گردد: ۱) آموزش چگونه اندیشیدن، نه به چه اندیشیدن که به زوجین کمک می‌کند تا بتوانند در مواجهه با مسائل درون فردی و میان فردی به راه‌حل‌های مختلف بیندیشند و بهترین راه‌حل را اتخاذ نمایند، ۲) پیشگیری از بروز و شدت یافتن مشکلات هیجانی و رفتاری نظیر گوشه‌گیری، افسردگی و پرخاشگری و ۳) به‌کارگیری روش حل مسئله از سوی زوجین (۲۰). یافته‌های پژوهش‌های مرتبط با حل مسئله بیانگر آن است که موضوع مهم برای ما مواجه نشدن با مشکلات و دردهای گوناگون نیست بلکه مقوله مهم در این‌باره عملکرد صحیح و مناسب در موقعیت‌های مشکل‌ساز و دشوار است (۲۱، ۲۲). یکی از راه‌های تنظیم و تعدیل تعارضات زناشویی، شیوه و راهبردهای کارآمد حل مسئله است که می‌تواند در واکنش‌ها و کنترل عاطفی و هیجانی زوجین مؤثر باشد. حل مسئله یک فرآیند شناختی-رفتاری است که از طریق آن، فرد می‌تواند راهبردهای مقابله‌ای مؤثر و سازگارانه برای تنیدگی‌ها و پیچیدگی‌های ارتباطی و بین فردی روزمره را ایجاد و اتخاذ نماید. همچنین حل مسئله یک راهبرد مقابله‌ای مهم است که توانایی، قابلیت‌ها و پیشرفت شخصی و اجتماعی را افزایش و تنیدگی و مشکلات روانی را کاهش می‌دهد (۲۳). از مهم‌ترین مهارت‌هایی که در جلسات برنامه آموزش حل مسئله خانواده محور به زوجین آموزش داده می‌شود می‌توان به: ۱- درک احساسات دیگران و آگاهی از نقطه نظرات آنان، ۲- درک انگیزه‌ها، ۳- یافتن راه‌حل‌های متعدد، ۴-

در نظر گرفتن عواقب و نتایج امور و ۵- برنامه‌ریزی متوالی، اشاره نمود؛ بنابراین می‌توان گفت آموزش حل مسئله خانواده محور می‌تواند موجب کاهش مشکلات رفتاری شود و برنامه آموزش پیشگیرانه، زمینه ایجاد و اتخاذ راهکارهای سازشی مقابله با مشکلات و موقعیت‌های مشکل‌آفرین در فرایند زندگی اجتماعی را فراهم سازد (۲۴). حال اگر برنامه حل مسئله را به‌عنوان یک برنامه آموزشی و کاربردی مؤثر در نظر بگیریم این سؤال مطرح می‌شود که این برنامه تا چه میزان می‌تواند بر رضایت زناشویی زوجین اثربخش باشد؟

در همین راستا شواهد پژوهشی در قلمرو روان‌شناسی خانواده نشان داده‌اند که راهبردهای شناختی-رفتاری همچون حل مسئله از کارآمدی مناسبی برای کاهش تعارضات و بهبود رضایت زناشویی برخوردارند. آیرس و مالوف (۲۵) در پژوهشی نشان دادند که آموزش حل مسئله منجر به افزایش خودکارایی در حل مسئله، عاطفه مثبت، رضایت شغلی و رضایت از زندگی می‌شود. درواقع ارتقای رضایت از زندگی به علت افزایش مهارت‌های حل مسئله رخ داده است. همچنین یافته‌های حاصل از پژوهشی که توسط عابدی، مسیبی و عریضی (۲۶) انجام شده است بر این نکته تأکید دارد که مداخلات روان‌شناختی با رویکردهای گوناگون ازجمله مداخلات شناختی-رفتاری باعث بهبود رضایت زناشویی می‌شود. همچنین در پژوهشی دیگر با عنوان بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله اجتماعی بر افزایش میزان انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی در زوجین ناسازگار که توسط بخشی، موسی زاده و نریمانی (۲۷) انجام شد، نتایج نشان داد که بین دو گروه مورد مداخله حل مسئله اجتماعی و گروه کنترل در تفاضل نمره‌های پیش آزمون-پس آزمون انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد، بدین معنا که آموزش مهارت حل مسئله اجتماعی در افزایش میزان انطباق‌پذیری و رضایت زناشویی زوجین ناسازگار مؤثر بوده است. پژوهشگران در مطالعات متعدد دریافتند که راهبردهای مؤثر و کارآمد حل مسئله می‌تواند بر کاهش علائم روان‌شناختی، تعدیل شیوع خشونت خانگی و عوارض ناشی از افسردگی، تعدیل اضطراب، کاهش تعارض والد-نوجوان، کاهش روان رنجوری و استرس و درنتیجه افزایش رضامندی زوجیت و سازگاری زناشویی تأثیر معناداری داشته باشد (۲۸). چن، یوکی، یو و کارل (۲۹) به بررسی در مورد تأثیر آموزش حل مسئله و توانایی‌های شناختی بر انتخاب همسر پرداختند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی پیمایشی بود. نتایج نشان داد که آموزش حل

مسئله می‌تواند باعث شناخت بهتر همسر و پیشگیری از تعارضات زناشویی گردد. همچنین کاکابرایی و حیدریان (۳۰) در پژوهش خود تحت عنوان تأثیر آموزش حل مسئله خانواده محور بر بهزیستی ذهنی زنان نابارور نشان دادند این برنامه مداخله‌ای به‌عنوان یک راهبرد مقابله‌ای باعث افزایش عاطفه مثبت و کاهش عاطفه منفی و درنهایت ارتقای سلامت روانی می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان اظهار داشت نظر به جایگاه مهم روابط زناشویی و استحکام و پایداری زندگی مشترک در عصر حاضر از یک‌سو و نقشی که مؤلفه رضایت زناشویی از سوی دیگر در این میان بر عهده دارد، لزوم انتخاب و به کار بستن راهبردهای مؤثر و کاربردی آموزشی و درمانی متناسب با بافت فرهنگی و اجتماعی جهت ارتقای رضایت زناشویی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. همان‌طور که عنوان شد برنامه‌های مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری همچون حل مسئله نقش بسزایی در بهبود تعارضات و روابط زوجین دارد، اما غالب پژوهش‌های مداخله‌ای حل مسئله محور از یک برنامه جامع آموزشی-درمانی خانواده محور برای بررسی اثربخشی آن بر رضایت زناشویی بهره نگرفته‌اند، لذا انجام پژوهش‌های بیشتر در این گستره وسیع امری مهم تلقی می‌گردد. بر همین اساس در پژوهش حاضر به تعیین اثربخشی آموزش حل مسئله خانواده محور بر رضایت زناشویی زوجین پرداخته شد. پژوهشگر سعی دارد تا با آموزش حل مسئله خانواده محور به مطالعه تأثیرپذیری متأهلین از این برنامه آموزشی بپردازد؛ بنابراین پژوهش حاضر این مفروضه را موردتوجه قرار داده است که آموزش حل مسئله خانواده محور چه تأثیری بر رضایت زناشویی زوجین دارد؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با توجه به هدف، کاربردی و شیوه اجرا شبه آزمایشی از نوع طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل متأهلین مراجعه‌کننده به مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه در سال ۱۳۹۸ بود. حجم نمونه ۳۰ زوج بود و افراد به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و به‌صورت انتساب تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. برای انتخاب گروه نمونه با هماهنگی و مساعدت مسئول محترم مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه ابتدا از بین زوجینی که جهت رفع مشکلات خانوادگی

و زناشویی به مرکز مراجعه کرده بودند تعداد ۳۰ زوج انتخاب و سپس به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش (۱۵ زوج) و گروه کنترل (۱۵ زوج) تقسیم شدند. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: (۱) زوجینی که دارای مشکلات زناشویی بودند و برای حل آن به مرکز مشاوره مراجعه نمودند و (۲) حضور با رضایت، آگاهانه و فعال مشارکت‌کنندگان و تمایل آنان به شرکت در کلیه جلسات آموزش حل مسئله خانواده محور. ملاک‌های خروج نیز شامل عدم تمایل و رضایت زوجین نسبت به ادامه شرکت فعال در جلسات آموزشی و غیبت بیش از دو جلسه، تکمیل ناقص پرسشنامه پژوهش و شرکت در برنامه‌های مداخله‌ای دیگر به‌طور هم‌زمان بود. در این پژوهش کلیه ملاحظات اخلاقی همچون آگاهی کامل زوجین و اخذ رضایت جهت شرکت در پژوهش با تأکید بر اصل رازداری رعایت شد و از سوی پژوهشگران به شرکت‌کنندگان در پژوهش این اطمینان داده شد که اطلاعات شخصی آنان و داده‌های پرسشنامه‌ها در کلیه مراحل پژوهش محفوظ خواهد ماند. پس از انجام هماهنگی‌های لازم و با راهنمایی استاد راهنمای محترم و مدیر مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره، برنامه زمان‌بندی برگزاری جلسات آموزشی تدوین و توضیحات لازم درباره نحوه کار و اهداف پژوهش طی یک جلسه توجیهی به شرکت‌کنندگان در پژوهش ارائه شد. پس از تعیین گروه‌های آزمایش و کنترل، از هر دو گروه خواسته شد به پرسشنامه رضامندی زوجیت افروز، تحت عنوان مرحله پیش‌آزمون پاسخ دهند. پس از آن گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه در جلسات آموزش حل مسئله خانواده محور شرکت نمودند. مدت هر جلسه ۹۰ دقیقه و برگزاری آن به صورت یک جلسه در هفته بود. به‌طور کلی جلسات ۱۰ هفته به طول انجامید و گروه کنترل در طول مدت آموزش گروه آزمایش، هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. پس از اتمام جلسات مجدداً پرسشنامه پژوهش به عنوان پس‌آزمون توسط هر دو گروه آزمایش و کنترل پاسخ داده شد. در این پژوهش از پروتکل آموزشی-درمانی و پرسشنامه به شرح زیر استفاده شده است:

پرسشنامه رضامندی زوجیت افروز: در این پژوهش، از

فرم ۱۱۰ سؤالی مقیاس رضامندی زوجیت افروز، استفاده شد. این مقیاس جهت ارزیابی میزان رضایت همسران برای بافت فرهنگی جامعه ایرانی توسط افروز در سال ۱۳۸۹ طراحی شده است. پژوهشگران آن را بر اساس مصاحبه‌های به عمل آمده و مشاوره‌های انجام شده با زوجین تهیه کردند. هر گویه این مقیاس با توجه به مرور پیشینه نظری و پژوهشی و سال‌ها تجربه

بالینی و مشاوره در زمینه رضایت زناشویی، ازدواج و خانواده تنظیم شده است. در هر گویه، محتوای مربوط به رضامندی زوجیت ارائه شده است. مقیاس ساخته شده بر اساس رویکردهای جدید به رضامندی زوجین بوده که در آن تلاش شده است رضامندی زوجین از دیدگاه ازدواج سالم نگریسته شود (۳۱). پرسشنامه رضامندی زوجیت افروز دارای ۱۱۰ پرسش است و از ۱۰ خرده مقیاس تشکیل شده است که عبارت‌اند از: ۱- مطلوب اندیشی همسران: مجموع پرسش‌های ۱، ۲، ۷، ۲۵، ۳۵، ۸۵، ۸۹، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵؛ ۲- رضایت زناشویی: ۳، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۲۳، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰؛ ۳- رفتارهای شخصی: ۲، ۵، ۶، ۱۰، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۴۱، ۴۶، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۵، ۷۶؛ ۴- رفتارهای ارتباطی و اجتماعی: ۱۶، ۳۱، ۴۵، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۷؛ ۵- روش حل مسئله: ۱۵، ۲۴، ۲۸، ۴۲، ۷۸، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰؛ ۶- امور مالی و فعالیت‌های اقتصادی: ۳۹، ۴۰، ۴۷، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۸۸؛ ۷- احساسات و رفتار مذهبی: ۳۰، ۴۴، ۵۶، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۸۰؛ ۸- روش فرزندپروری: ۴۳، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۹۱، ۹۲، ۹۶، ۹۷؛ ۹- اوقات فراغت: ۴، ۲۰، ۲۷، ۳۲، ۳۶، ۴۸، ۵۴، ۶۲، ۷۵، ۹۴؛ و ۱۰- نحوه تعامل (کلامی، بصری، حرکتی و رفتاری): ۱۳، ۱۴، ۲۲، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۷، ۹۳، ۱۰۶. شیوه نمره‌گذاری پرسشنامه به‌گونه‌ای است که ماده‌های پرسشنامه، چهارگزینه‌ای هستند و در طیف لیکرت به صورت کاملاً موافق=۳، موافق=۲، مخالف=۱، کاملاً مخالف=۰ نمره‌گذاری می‌شود. مجموع نمره‌های ۱۱۰ پرسش، نمره کلی محسوب می‌شود و هر چه فرد در این آزمون نمره بیشتری بگیرد، نشان‌دهنده رضایت زناشویی بالاتر است (۳۲). در پژوهش محبی (۳۴) به سنجش عملی بودن، اعتبار و روایی مقیاس مذکور پرداخته شده است. برای محاسبه اعتبار این مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن ۰/۹۸۹ به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار بالا و بسیار مطلوب مقیاس رضامندی زوجیت افروز است (۳۵). همچنین در پژوهش افروز و قدرتی (۳۱) ضریب اعتبار با استفاده از آلفای کرونباخ برای فرم کوتاه (۵۰ سؤالی)، ۰/۹۹ بوده که نشان‌دهنده اعتبار بسیار مطلوب مقیاس رضامندی زوجیت افروز است. مقیاس ساخته شده بر اساس رویکرد ازدواج سالم، رویکرد شناختی-اجتماعی و تجارب بالینی در زمینه رضامندی زوجیت در بستر فرهنگ اسلامی-ایرانی و مناسب برای موقعیت‌های پژوهشی و بالینی است. ضرایب همسانی درونی ۰/۹۵ برای کل ابزار و ضرایب

جلسه دهم: مرور مطالب فراگرفته شده و مرور نهایی بر گفتگو به شیوه حل مسئله، جمع‌بندی و درنهایت اجرای ارزیابی. **روش آماری:** جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی همچون میانگین، انحراف استاندارد و تحلیل کوواریانس با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد.

یافته‌ها

مطابق داده‌های جمعیت شناختی، شرکت‌کنندگان در این پژوهش در بازه سنی ۲۶ تا ۴۰ سال و با میانگین سنی ۳۰/۶۳ بودند. از طرفی نتایج نشان داد در میان مشارکت‌کنندگان ۶۳/۷ درصد شاغل و ۳۶/۶۶ درصد غیر شاغل و همچنین ۲۰ درصد آنان دارای تحصیلات فوق‌دیپلم، ۳۳/۳۳ درصد دارای تحصیلات لیسانس و ۴۶/۶۶ درصد نیز دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر بودند.

داده‌های حاصل از پژوهش حاضر از دو بعد توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش آمار توصیفی از شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد و در بخش آمار استنباطی، برای مقایسه میانگین و واریانس دو گروه آزمایش و کنترل در خط پایه از آزمون t مستقل و آزمون F لوین استفاده شد. پس از بررسی مفروضه‌های تحلیل کوواریانس (همگنی واریانس‌ها و همگنی ضرایب رگرسیون)، برای آزمون معناداری فرضیه از آزمون ANCOVA استفاده شد.

در تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله پیش‌آزمون، برای هر یک از دو گروه کنترل و آزمایش، پس از اجرای پرسشنامه رضامندی زوجیت افروز در این مرحله، تجزیه و تحلیل انجام گرفت. با توجه به نتایج جدول ۱، میانگین رضایت زناشویی در گروه آزمایش ۱۹۹/۵۷ به دست آمد و این مقدار اندکی کمتر از میانگین گروه کنترل یعنی ۲۰۴/۱۴ است.

با توجه به نتایج جدول ۲، میانگین رضایت زناشویی در گروه آزمایش ۲۳۷/۲۹ به دست آمد و این مقدار بیشتر از میانگین گروه کنترل یعنی ۲۱۷/۴۳ است.

۰/۶۴ تا ۰/۸۶ برای زیر مقیاس‌ها، نشان داده است که مقیاس دارای همسانی درونی مطلوب، مناسب و اجراشدنی برای بررسی رضامندی همسران است (۳۱، ۳۲).

خلاصه برنامه آموزش حل مسئله خانواده محور: در این پژوهش منظور از برنامه حل مسئله خانواده محور، برنامه آموزش ۱۰ جلسه‌ای است که با اقتباس از برنامه شور (۳۶) برای زوجین تدوین شده است. اهداف و محتوای جلسات به شرح زیر است: جلسه اول: تشریح اهداف برگزاری جلسات، ساختار کلی آموزش حل مسئله خانواده محور، اهداف کلی پژوهش و اهمیت آن برای زوجین، تعاریف و مفهوم زوجیت با هدف آشنایی زوجین با زوجیت و مقوله‌های آن.

جلسه دوم: تشریح مراحل و مؤلفه‌های حل مسئله شامل درک احساسات دیگران، درک انگیزه دیگران، یافتن راه‌حل‌های جایگزین، در نظر گرفتن عواقب و نتایج کار و برنامه‌ریزی متوالی با هدف آشنایی زوجین با مهارت حل مسئله.

جلسه سوم: پرداختن به مقوله احساسات با تشریح اهمیت شناخت و بیان احساس‌ها در زندگی واقعی و در تعامل با همسر. جلسه چهارم: بررسی مقوله گوش دادن فعال به‌عنوان یکی از اجزای حل مسئله و چگونگی کاربرد آن در تعامل با همسر. جلسه پنجم: مرور و بررسی مباحث مطرح‌شده در جلسات قبل، پرداختن به مبحث درک انگیزه‌ها با تشریح دلایل متعدد بروز یک رفتار با هدف متمایز کردن رفتارهای خصمانه یا عمدی از رفتارهای تصادفی یا غیرعمدی.

جلسه ششم: پرداختن به مقوله راه‌حل‌ها با تشریح چگونگی پیدا کردن راه‌حل‌های جایگزین بدون ارزش‌گذاری آن‌ها از طریق تشویق یکدیگر به تفکر درباره موقعیت‌های ساختگی و بیان برخی از نمونه‌ها.

جلسه هفتم: تشریح گفتگو از طریق حل مسئله در موقعیت‌های ساختگی و زندگی واقعی با هدف رسیدن به نتایج و عواقب آن.

جلسه هشتم: پرداختن به مهارت برنامه‌ریزی متوالی با تشریح چگونگی طرح گام‌ها به‌سوی هدف، پیش‌بینی موانع احتمالی، زمان‌بندی فعالیت‌ها (چقدر طول خواهد کشید؟) و یکپارچه‌سازی گام‌های مختلف.

جلسه نهم: پرداختن به ترکیب مهارت‌های حل مسئله و مروری بر پرسش‌ها به‌واسطه مرور مهارت‌های فراگرفته شده تا جلسه جاری به‌وسیله پرسش و پاسخ با شرکت‌کنندگان.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مربوط به رضایت زناشویی در مرحله پیش‌آزمون

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
رضایت زناشویی در مرحله پیش‌آزمون	آزمایش	۱۵	۱۹۹/۵۷	۶۶/۹۴
	کنترل	۱۵	۲۰۴/۱۴	۶۷/۳۷
	کل	۳۰	۲۰۱/۸۶	۶۴/۵۶

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی مربوط به رضایت زناشویی در مرحله پس‌آزمون

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
رضایت زناشویی در مرحله پس‌آزمون	آزمایش	۱۵	۲۳۷/۲۹	۷۰/۲۵
	کنترل	۱۵	۲۱۷/۴۳	۵۴/۷
	کل	۳۰	۲۲۷/۳۶	۶۱/۳۶

بررسی فرض نرمال بودن توزیع نمرات پیش‌آزمون:

برای این منظور از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. با توجه به اینکه ضریب معناداری این آزمون برای نمرات پیش‌آزمون رضایت زناشویی ۰/۲۵۷ به دست آمد و این مقدار بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، در نتیجه توزیع نمرات پیش‌آزمون برای این متغیر نرمال است.

بررسی فرض همگنی واریانس‌ها برای آزمون t

رضایت زناشویی: برای این منظور از آزمون F لوین استفاده شد. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد با توجه به اینکه ضریب معناداری آزمون لوین برابر ۰/۹۶۶ و این مقدار بیشتر از ضریب معناداری ملاک یعنی ۰/۰۵ است، بنابراین با ۹۵٪ اطمینان می‌توان گفت واریانس دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پیش‌آزمون تفاوت معنی‌داری باهم ندارند و پیش‌فرض تساوی

واریانس‌ها رعایت شده است. همان‌طور که نتایج آزمون t در جدول ۳ نشان می‌دهد چون ضریب معناداری این آزمون برابر ۰/۹۰۱ است و این مقدار بیشتر از ضریب معناداری ملاک (یعنی ۰/۰۵) است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین دو گروه کنترل و آزمایش در مرحله پیش‌آزمون تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و با ۹۵٪ اطمینان می‌توان گفت که تفاوت مشاهده‌شده بین میانگین نمرات رضایت زناشویی دو گروه کنترل و آزمایش در مرحله پیش‌آزمون معنی‌دار نیست. همچنین همان‌طور که در جدول ۴ مشخص است سطح معناداری آزمون F لوین برابر با ۰/۰۵۸ و این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ و در نتیجه فرض همگنی واریانس‌ها برقرار است.

جدول ۳. آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین نمرات پیش‌آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش رضایت زناشویی

شاخص	آزمون لوین		t مستقل	df	p
نمره کل	F	sig			
	۰/۰۰۲	۰/۹۶۶	۰/۱۲۷	۲۸	۰/۹۰۱

جدول ۴. آزمون F لوین برای بررسی همگنی واریانس‌های رضایت زناشویی

F	df ₁	df ₂	sig
4/4	1	28	0/058

جدول ۵. تحلیل کوواریانس اثر بخشی آموزش حل مسئله خانواده محور بر رضایت زناشویی زوجین

منابع تغییر	SS	df	MS	F	Sig	ضریب اتا
اثر پیش‌آزمون	۵۴۸۳/۰۱	۱	۵۴۸۳/۸۲	۱۸۳/۸۸	۰/۰۰۱	
گروه	۵۰۵/۹۶	۱	۵۰۵/۲۶	۱۶/۹۵	۰/۰۰۲	۰/۶۰۶
خطا	۳۲۸/۴۵	۲۷	۲۹۸/۲۲			
کل	۷۴۳۱۵	۳۰				

تحلیل کوواریانس نشان می‌دهد، اثر پیش‌آزمون معنادار است ($P < 0.05$)، یعنی اجرای پیش‌آزمون بر نمرات پس‌آزمون تأثیرگذار بوده است. همچنین F تحلیل کوواریانس مربوط به مقایسه دو گروه معنادار است ($P < 0.05$)، بنابراین می‌توان اظهار داشت آموزش حل مسئله خانواده محور باعث افزایش رضایت زناشویی زوجین می‌شود. همچنین، ضریب اتا به عنوان شاخص اندازه اثر نیز دارای مقدار ۰/۶۱ است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش حل مسئله خانواده محور بر رضایت زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه انجام شد. نتایج طبق گزارش زوجین نشان داد در مرحله پس‌آزمون سطح نمرات رضایت زناشویی گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل است. به عبارت دیگر آموزش حل مسئله خانواده محور بر زیر مقیاس‌های مطلوب اندیشی همسران، رضایت زناشویی، رفتارهای شخصی، رفتارهای ارتباطی و اجتماعی، روش حل مسئله، امور مالی و فعالیت‌های اقتصادی، احساسات و رفتار مذهبی، روش فرزندپروری، اوقات فراغت و نحوه تعامل احساسی (کلامی، بصری، حرکتی و رفتاری) تأثیر مثبت داشته است. به عبارت دیگر مقایسه نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه آزمایش نشان داد که رضایت زناشویی زوجین بهبود رضایت بخشی داشته است. در همین راستا می‌توان اظهار داشت میانگین نمرات رضایت زناشویی زوجین در گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون در مقایسه با مرحله پیش‌آزمون افزایش یافته است؛ بنابراین می‌توان گفت آموزش حل مسئله خانواده محور بر رضایت زناشویی زوجین تأثیر مثبتی داشته است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر با بخشی از یافته‌های حاصل از پژوهش‌های آیرس و مالوف (۲۵)، عابدی و همکاران (۲۶)، بخشی و همکاران (۲۷)، تامسون و سنتیفانتی (۲۸)، چن و همکاران (۲۹) و کاکابرای و حیدریان (۳۰) همسو است. همچنین در تبیینی دیگر یافته‌های این پژوهش با بخشی از یافته‌های پژوهش زینعلی و همکاران (۳۲)، مبنی بر اثربخش بودن آموزش‌های خانواده محور بر رضامندی زوجیت همخوانی دارد. باید عنوان نمود که پژوهش‌های متعددی تأثیر آموزش‌های خانواده محور بر سازه‌ها و مؤلفه‌های مهم میان زوجین را بررسی کرده‌اند اما هنوز کامل و جامع نیستند و به طور خاص به برنامه حل مسئله خانواده

محور نپرداخته‌اند. به همین دلیل ضروری است که تمرکز و توجه بیشتری از سوی پژوهشگران گستره وسیع روان‌شناسی بر اثربخشی آموزش حل مسئله خانواده محور بر مؤلفه‌های روان‌شناختی مؤثر بر زندگی مشترک و روابط زوجین صورت گیرد. در همین راستا نتایج این پژوهش تا حدودی این مهم را بسط و گسترش داده است؛ بنابراین با توجه به نتایج این پژوهش و سایر شواهد تجربی می‌توان چنین اظهار داشت که آموزش حل مسئله خانواده محور به عنوان بخشی از مداخلات شناختی-رفتاری بر بهبود رضایت زناشویی در زوجین تأثیر مثبت دارد و در نتیجه فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. در تبیین نتایج این مطالعه و با توجه به سایر شواهد تجربی و یافته‌های پژوهش‌های پیشین می‌توان اظهار نمود که بدون شک آموزش راهبردهای مداخله‌ای شناختی-رفتاری همچون برنامه حل مسئله خانواده محور می‌تواند باعث غنای روابط و تعامل میان زوجین و در نتیجه ارتقای رضایت زناشویی و به دنبال آن رسیدن به هدف غایی تشکیل خانواده یعنی تجربه کمال خوشبختی و آرامش شود.

همانند سایر پژوهش‌ها، یافته‌های این پژوهش نیز باید با توجه به محدودیت‌های آن تفسیر و تعمیم داده شود. می‌توان اظهار داشت رفع این محدودیت‌ها در پژوهش‌های بعدی می‌تواند نتایج مؤثرتر و با قابلیت تعمیم‌پذیری بالاتری را فراهم کند. یکی از محدودیت‌های این پژوهش استفاده از پرسشنامه به عنوان یک ابزار خود گزارش دهی به جای مطالعه رفتار واقعی و مصاحبه بود. این ابزار ضمن ارائه اطلاعات و داده‌های فراوان در زمان کوتاه، در عین حال می‌تواند سوگیری داشته باشند و افراد برای کسب تأیید اجتماعی دچار خطای سوگیری شوند. از دیگر محدودیت‌های این مطالعه عدم اجرا در محدوده جغرافیایی و فرهنگی وسیع‌تر بود. محدودیت دیگر نیز محدودیت زمانی شرکت‌کنندگان بود چراکه امکان اجرای مرحله پیگیری میسر نشد. در همین راستا می‌توان پیشنهادهایی برای سایر پژوهشگران ارائه نمود تا یاری‌رسان آنان برای پیشرفت کمی و کیفی پژوهش‌های آتی باشد. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده در صورت تکرار پژوهش‌های مشابه، مرحله پیگیری نیز در برنامه مطالعه گنجانده شود. همچنین لازم است مطالعات خانواده محور در گستره وسیع‌تر جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی انجام شود تا بتوان نتایج آن را با اطمینان بیشتری به طیف وسیعی از جمعیت هدف تعمیم داد. با توجه به محدودیت این پژوهش می‌بایست در پژوهش‌های آینده علاوه بر ابزارهای خود

حل‌وفصل دارد، از همین روی برگزاری دوره‌های توانمندسازی خانواده با محوریت حل مسئله برای قبل و بعد از ازدواج توصیه می‌گردد.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در رشته روان‌شناسی بالینی در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه با کد ۱۹۷۲۰۱۲/۱۹۲۲۰۷۰ است. بدین‌وسیله از کلیه شرکت‌کنندگان در این پژوهش و مسئولین مرکز مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه که پژوهشگران را یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی می‌شود. این پژوهش حامی مالی نداشته و بدون هرگونه تعارض منافع است.

گزارش دهی، از مشاهده رفتار و مصاحبه با در نظر گرفتن شاخص‌های بالینی استفاده شود. با استناد به نقش مؤثر و مثبت آموزش حل مسئله خانواده محور و لزوم تعلیم متخصصان در این حوزه مهم، پیشنهاد می‌گردد با هماهنگی و نظارت سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، انجمن‌های علمی فعال در کشور و سایر مراکز و نهادهای متولی آموزش، نسبت به توانمندسازی متخصصان با رویکرد حل مسئله از طریق برگزاری دوره‌های تخصصی و معتبر کوتاه‌مدت و بلندمدت اقدام شود و بر همین اساس لازم است همکاری روان‌شناسان و مشاوران دارای مجوز و آموزش‌دیده با نهادهای مربوطه در حوزه ازدواج و خانواده کشور بیش‌ازپیش توسعه یابد. می‌توان اظهار نمود که بسیاری از مشکلات و تعارضات زوجین که باعث پایین آمدن سطح رضایت زناشویی می‌گردد قبل از ورود به مرحله تنش‌زایی شدید و مراجعه به دادگاه قابلیت

References

1. Fathollahzadeh N, Mirseifi Fard L. S. Kazemi, M. Saadati N. Navabinejad S. Effectiveness of marital life enrichment based on Choice Theory on quality of marital relationship and couples' intimacy. *Journal of Applied Psychology*, 2018; 11(4): 353-372. [In Persian].
2. Sadat javadi B. Afrooz G. Hosiniyan S. Azarbaijani M. Gholamali Lavasani M. The Plan and Formulation of the Program of Communicational Skills and Emotional Relationships on the Basis of Religious Values for Increasing the Satisfaction of Couples. *The Islamic Journal of Women and the Family*, 2015; 3(2): 39-59. [In Persian].
3. Mandegari F. Study of social factors affecting marital conflicts among women in Yazd. Master Thesis. Yazd. Yazd University, 2015. [In Persian].
4. Afrooz G. The Transcendent Family in the Shadow of Fulfillment of Emotional Rights. *Family and Research Quarterly*. 2020; 17(1): 11-20. [In Persian].
5. Karney BR, Bradbury TN. Research on marital satisfaction and stability in the 2010s: Challenging conventional wisdom. *Journal of Marriage and Family*, 2020; 82: 100-116.
6. Jiang H, Wang L, Zhang Q, Liu DX, Ding J, Lei Z, et al. Family functioning, marital satisfaction and social support in hemodialysis patients and their spouses. *Stress Health*. 2015; 31(2): 74-166.
7. Talayizadeh F. Bakhtiyarpour S. The relationship between marital satisfaction and sexual satisfaction with couple mental health. *Thoughts and Behavior in Clinical Psychology*, 2016; 11(40): 37-46. [In Persian].
8. Fincham FD. Marital conflict correlates. Structure and context. *Current direction in psychological sciences*. (2009); 12:23-27.
9. Hosseinkhanzadeh A. Niazi E. Investigate relationships between Religious orientation with public health and marital satisfaction among married students of University of Tehran. *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 2011; 15: 505-509. [In Persian].
10. Esere MO, Yeyeodu A, Oladun C. Obstacles and Suggested Solutions to Effectiv Communication in Marriage as Expressed by Married Adults in Kogi State. *Nigeria journal Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2014; 114: 584 - 592.
11. Aigbiremhon, I. J., Okonkwo, E. A., & Kalunta, O. G. (2019). Job variables as predictors of marital satisfaction and marital conflict among female bank employees. *Journal of Social Sciences*, 4, 28-44.
12. Sanaei B, Alaghband Sh, Falahati, Sh, Hooman A. family and marriage measurement scales, third edition, Tehran: Be'sat Publications, 2016. [In Persian].

13. Mina, S. (2019). Predictors of Marriage in Psychiatric Illness: A Review of Literature. *Journal of Psychiatry and Psychiatric Disorders*, 3, 14-22.
14. Mark KM, Pike, A. Links between Marital Quality, the Mother-Child Relationship and Child Behavior: A Multi-Level Modeling Approach. *International Journal of Behavioral Development*. 2017; 41(2): 285-294.
15. D'Zurilla TJ, Goldfried MR. Problem-solving and behavior modification. *Journal of Abnormal psychology*. 1971; 78: 101-126.
16. D'Zurilla TJ, Nezu AM. Problem-solving therapies In Dobson KS (Ed) *Handbook of Cognitive-Behavioral Therapies*, 2nd edition, New York: Guilford Press, 2001.
17. Ince, E. (2018). An Overview of Problem-Solving Studies in Physics Education. *Journal of Education and Learning*, 7(4), 191-200.
18. Shokoohi-Yekta, M., Zamani, N., Pourkarimi, J. Effects of Problem-Solving Instruction on Improving Social Skills and Decreasing Behavioral Problems: A Single subject Study on slow-learner students. *Journal of Psychological Studies*, 2015; 10(4): 7-32. [In Persian].
19. Kakabaraee K. The Impact of Family / School-Based Problem Solving Training on Problem-Solving Styles of Elementary Students. *J Child Ment Health*. 2019; 6(1):14-27. [In Persian].
20. Kakabaraee K. The effect of family oriented problem solving curriculum education on parent-child relationship elementary School Students. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 2016; 7(26): 61-85. [In Persian].
21. Mitchell KI, Walinga J. The creative imperative: The role of creativity, creative problem solving and insight as key drivers for sustainability. *Cleaner Production*. 2017; 140(3): 1872-1884.
22. Kakabaraee K. Effectiveness of Problem-Solving Intervention on mothers' interaction with children with Communication Problems. *Empowering Exceptional Children*, 2020; 11(1): 29-39. [In Persian].
23. Zhang A, Park S, Sullivan JE, Jing S. The Effectiveness of Problem-Solving Therapy for Primary Care Patients' Depressive and/or Anxiety Disorders: A Systematic Review and Meta-Analysis. *Journal of the American Board of Family Medicine: JABFM*. 2018; 31(1): 139–150.
24. kakabaraee K., moradi, A. family oriented problem solving training to parents and the impact on the child's perception of parents. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 2017; 8(29): 165-185. [In Persian].
25. Ayres j, Malouff JM. Problem-solving training to help workers increase positive affect, job satisfaction, and life satisfaction. *Eur J Work Organ Psychol*. 2007; 16(3): 279-294.
26. Abedi A., Mosayebi, E., Reza Oreyzi, H. Meta-Analysis of Effectiveness of Psychological Groups Intervention on Rate of Marital Satisfaction (Iran- 1383-1389). *Family Counseling and Psychotherapy*, 2013; 3(2): 233-261. [In Persian].
27. Bakhshi Mashhadloo M, Mousazadeh T, Narimani M. Social Problem Solving on the Adaptability and Marital Satisfaction in Couples Incompatible. *Journal of Disability Studies*. 2017; 8(90). [In Persian].
28. Thomson ND, Centifanti LCM. Proactive and Reactive Aggression Subgroups in Typically Developing Children: The Role of Executive Functioning, Psychophysiology and Psychopathy. *Child Psychiatry and Human Development*. 2018; 49(2): 197–208.
29. Chen J, Yuqi Z, Yue-Hua S, Carelten C. On problem solving and the evolution of cognitive abilities by mate choice: a reply to Camacho-Alpizar et al. 2020. <https://doi.org/10.1016/j.anbehav.2020.05.003>.
30. Kakabaraee K., Heydarian, N. The effect of family-centered problem solving training on the mental well-being of infertile women. *Islamic-Iranian Family Studies Journal*, 2021; 1(autumn): 19-30. [In Persian].
31. Afrooz G, Ghodrati M. Construction and standardization of the satisfaction scale of Afrooz's wives (short form). *Journal of Psychology and Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran*. 2011; 1: 3-16. [In Persian].

32. Zeinali N, Afrooz Gh, Gholamali Lavasani M, Qasemzadeh S. The Effectiveness of Family-Based Psychology Program on Marital Satisfaction and Their Children's Affiliation to Computer Games, Contemporary Psychology, Biannual Journal of the Iranian Psychological Association. 2017; 12(2): 100-113. [In Persian].
33. Amirafshari, S, Afrooz, G, Asqari, S. M, Qobari Bonab, B. M. The prediction of marital satisfaction of parents with autistic children, based on their personality characteristics. Family Counseling and Psychotherapy, 2017; 6(2): 69-85. [In Persian].
34. Mohebbi M. A Study of Practical, Validity and Reliability of Afrooz Marital Satisfaction Scale among Married Female Teachers in Tehran and its Relationship with Thinking Styles. Master Thesis. Psychometric Field. Islamic Azad University of Tehran Center Unit, 2011. [In Persian].
35. Asghari M., Afrooz, A., Tajalli, P., Ghanbari panah, A. Comparative study of marital satisfaction between mothers with one visually impaired child, mothers with more than one visually impaired children and mothers with normal children. Psychology of Exceptional Individuals, 2019; 9(33): 1-21. [In Persian].
36. Shure MB. I Can Problem Solve (ICPS): An Interpersonal Cognitive Problem Solving Program for Children. Residential Treatment for children and You. 2001; 18: 3-14.